

اهداف مشاوره‌ها از

دیدگاه اسلام

محمد بهشتی

مقدمه

بدون شک یکی از ریشه‌دارترین اصول عرفی و عقلایی در زندگی بشر، اصل مشورت و تبادل نظر با صاحبان فکر و تجربه است. این اصل از سابقه طولانی و دیرینه عمیق برخوردار است و تاریخ آن با آغاز تاریخ جامعه بشری هم‌زمان بوده است.

گذشته از این، اصل مشورت و مشاوره یک اصل اسلامی است و از برنامه‌های شاخص نظام اجتماعی اسلام و از اصول فرهنگی و سیاسی اسلام به حساب می‌آید و در قرآن کریم و گفته پیشوایان معصوم، مطالب گران‌سنگی در این زمینه وجود دارد.

پیش از ورود در بحث اهداف مشاوره، شایسته است چند مطلب اساسی را به عنوان پیش‌گفتار توضیح دهیم:

۱- تعریف

مشورت، پوششی است که به انسان کمک می‌کند تا با استفاده از آراء، اندیشه‌ها و دیدگاه‌های مختلف، توانایی‌ها و استعدادها و دیگران را بشناسد و با موقعیت‌ها و امکانات فردی و اجتماعی و نیز با محدودیت‌ها، کاستی‌ها و نارسایی‌ها آشنا گردد و از فرصت‌های تحصیلی، شغلی، حرفه‌ای، شخصی و اجتماعی بهتر استفاده نماید و برای حل مشکلات خود و جامعه راه حل مناسب بیابد.

تعریف فوق، تعریف جامعی است که با توجه به معنای لغوی مشاوره در تعلیم و تربیت و نیز با توجه به روایاتی که در این زمینه وارد شده انتخاب شده است.

۲- ضرورت و اهمیت

بدون تردید راهنمایی و مشاوره یک ضرورت عقلایی است و هیچ کس در زندگی از مشورت و تبادل نظر با دیگران بی نیاز نیست. زیرا انسان هر قدر از نظر فکری نیرومند باشد و به هر سطحی از رشد عقلی رسیده باشد، نسبت به مسائل مختلف تنها از یک یا چند بُعد می نگرد و ابعاد دیگر بر او پوشیده می ماند و به خطا می رود ولی با تبادل نظر و استفاده از آراء دیگران، عقل ها و اندیشه ها به هم ضمیمه می شوند، امکانات، محدودیت ها و موقعیت ها شناخته می شوند و قطعاً از هدر رفتن فرصت ها جلوگیری می شود.

از طرف دیگر، در زندگی اجتماعی به میزانی که جامعه گسترش می یابد و روابط پیچیده تر می شود، مسائل و مشکلات بیشتری به وجود می آید؛ همان گونه که امروزه انسان با عوامل پیچ در پیچ و مشکل های عظیمی روبروست، در این شرایط دشوار به مشورت و مشاوره نیاز بیشتر احساس می شود تا در پرتو آن خود محوری ها از جامعه بشری زدوده و به افراد بهای بیشتری داده شود تا جامعه بشری از استحکام بیشتری برخوردار گردد و آرامش روحی و فکری نصیب انسان ها شود.

بنابراین، مشورت و نظر خواهی از افراد و آشنا شدن با دیدگاه های مختلف، بازتاب شگرفی در فرد و جامعه دارد و می توان گفت مشورت مستمر، کلید حل بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی است و همین امر ضرورت مشورت و تبادل نظر را به اثبات می رساند.

از دیدگاه اسلام اهمیت مشورت روشن است. خدای حکیم به حضرت محمد پیامبر ختمی مرتبت، محور انسان و هستی دستور داده که با آنها در کارشان مشورت کن «و مشاورهم فی الامر»^(۸)، با اینکه به قول مولوی رأیی بهتر و صحیح تر از رأی پیامبر اسلام ﷺ وجود ندارد.

امر مشاورهم پیامبر را رسید
موجه رایش را نبد رأیی مزید
و دربارہ مسلمانان می فرماید: «وَأْمُرْهُمْ شُورَى

شور و مشورت در لغت به دو معنا به کار می رود: الف- اظهار و ابداء شیء، ب- اخذ و استخراج شیء^(۱) و در اصطلاح به معنای استخراج رأی دیگران از طریق تبادل افکار و اندیشه هاست تا در پرتو توجه به آراء مختلف و ضمیمه ساختن عقل و اندیشه ها، راه صواب و مناسب حل مشکلات آشکار گردد و از ندامت و ملامت مصونیت پیدا شود.

راغب اصفهانی در مفردات می نویسد:

«التشاور و المشاورة و المشورة، استخراج الرأی بمراجعة البعض الی البعض»^(۲) تشاور و مشاوره و مشورت عبارت است از به دست آوردن رأی (درست) با مراجعه افراد به یکدیگر.

طبرسی در مجمع البیان چنین می نویسد: «المشاورة و هی المناوضة فی الکلام لیظهر الحق»^(۳)، مشاوره عبارت است از تبادل و رد و بدل کردن کلام به منظور این که رأی صواب و حق آشکار گردد.

پیشوایان معصوم نیز در روایات، مشورت را به معنای تبادل نظر و ضمیمه ساختن عقل ها و اندیشه ها و استخراج رأی صحیح به کار برده اند؛ امام علی علیه السلام خطاب به فرزندش محمد حقیقه می فرماید:

«أضْمُمُ آراء الرجال بعضها الی بعض ثم اختر اقربها من الصواب و ابعدها من الاریتیب»^(۴)، آراء گوناگون را با یکدیگر ضمیمه نما سپس از میان آنها نزدیک ترین رأی را به صواب و دورترین آنها از خطا را انتخاب نما.

و در روایت دیگری می فرماید: «مَنْ استقبل وجوه الآراء عرف مواقع الخطأ»^(۵)، هر کس از آراء و نظریه های گوناگون استقبال کند، مواقع خطا را باز شناسد.

پس از آشنایی با معنای لغوی، اصطلاحی و روایی مشاوره، به جاست که با دیدگاه های اندیشمندان علوم تربیتی و روان شناسی در زمینه های مشاوره آشنا شویم. در کتاب فنون و روش های مشاوره، پس از بیان تعریف مشاوره از زبان پاترسون، آرباکل، دینک مایر، پینسکی، راینسون و اسمیت ... چنین نتیجه می گیرد که مشاوره تعاملی بین مراجع و مشاور است که بدان وسیله به مراجع کمک می شود تا پس از شناخت خویش، تصمیمات معقول و مقبولی اتخاذ نماید.^(۶)

در کتاب راهنمایی و مشاوره کودک، مشاوره این چنین تعریف شده است: مشاوره کودک به منزله یک هنر، تعامل فعال بین مشاور و کودک است که بدان وسیله کودک پس از طرح مشکل، با کمک مشاور توانایی ها، امکانات و نیز محدودیت هایش را می شناسد.^(۷)

۱- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۱۶۹.

۲- المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۷۰.

۳- تفسیر مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۳.

۴- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۲۶.

۵- نهج البلاغه، فصار الحکم، ص ۱۷۳.

۶- فنون و روش های مشاوره، ص ۳۰-۳۲.

۷- راهنمایی و مشاوره کودک، ص ۴.

بینهم»^(۱)، کارشان را مؤمنان در بین خود به مشورت و رایزنی می‌گذرانند و با هم تبادل نظر می‌کنند. اهمیت مشاوره در این آیه از دو قسمت به دست می‌آید:

۱ - با اینکه یک جمله از ۵۳ آیه سوره شوری درباره مشورت است ولی همه سوره تحت عنوان شوری است.

۲ - خدای حکیم مشورت را بین دو مسأله حساس نماز و انفاق قرار داده و می‌فرماید: دین باوران واقعی کسانی‌اند که ندای پروردگارشان را پاسخ مثبت داده و نماز را برپا می‌دارند و کارشان در میان‌شان مشورت است و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند.^(۲)

پیامبر اکرم ﷺ نیز می‌فرماید: جامعه زنده و پویا جامعه‌ای است که در آن مشورت، فرهنگ عمومی مردم و روش رایج و دایر باشد و در برابر، جامعه مرده جامعه تهی از مشورت است.

«اذا كان امرائكم خياركم و اغنياءكم صححائكم و امرکم شوری بینکم فظهر الارض خير لكم من بطنها، و اذا كان امرائكم شراركم و اغنياءكم بخلائكم و لم يكن امرکم شوری بینکم فبطن الارض خير لكم من ظهرها»^(۳).

آنگاه که نیکان شما زمام امور را به دست گیرند و ثروتمندان، سخاوتمند و دست و دل باز باشند و کارهایتان به مشاوره انجام گیرد، روی زمین برای شما بهتر است از زیر زمین ولی هرگاه نالایقان و اشرار فرمانروای شما باشند و ثروتمندان بخل ورزند و کارها بدون مشورت انجام شود، دل خاک برای شما بهتر از روی زمین است.



در روایات فسرآوانی نیز مشاوره به عنوان بهترین پشتیبان^(۴)، عامل مصونیت از ندامت و ملامت^(۵) و امر مبارک و میمون دانسته شده است.

نکته در خور دقت این است که در ارتباط با مشورت و ابعاد گوناگون این اصل اسلامی، در روایات نکات دقیق بسیار جالب وجود دارد و میراث گران‌بهایی در اختیار ما قرار دارد که به طور شایسته از آن بهره نبرده‌ایم.

۳- حوزه و قلمرو

حوزه مشورت از دیدگاه اسلام گسترده و وسیع است و محدود به موارد خاصی نمی‌شود بلکه مشورت همه امور اعم از مسائل فردی، خانوادگی، فرهنگی و سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حکومتی را در برمی‌گیرد و حتی مسأله کوچکی همانند بازگرفتن کودک را از شیر، امر مشورتی می‌داند؛ گرچه مادر کودک در شیر دادن و شیرندان به کودکش اختیار دارد ولی اگر خواستند کودک را از شیر بازگیرند، مادر و پدر با هم مشورت می‌کنند و اگر آن دو با رضایت و مشورت تصمیم گرفتند کودک را از شیر بازگیرند بر آنان ایرادی نیست.^(۶)

با این همه، مشورت و مشاوره از دیدگاه اسلام در دو مورد مجاز نمی‌باشد:

۱ - در احکام و قوانین اسلامی و حقایق آسمانی که تنها در حوزه وحی است و از کتاب و سنت معصومین گرفته می‌شود مشورت روا نیست؛ به عبارت دیگر، قلمرو مشورت تا آن جایی است که نص خاص از قرآن کریم و سنت معصومین بر آن وارد نشده است؛ به عبارت رساتر، مشورت و مشاوره از دیدگاه اسلام مربوط به کارهای خود مردم است، نه درباره احکام الهی که تنها باید از مبداء وحی و کتاب و سنت گرفته شود و قرآن چه بسیار زیبا و رسا تعبیر می‌کند و می‌فرماید: «و أمرهم شوری بینهم»^(۷)، مؤمنان کارشان را در بین خود به مشورت و رایزنی می‌گذرانند و در این حوزه با هم به تبادل نظر و مشاوره می‌پردازند ولی در حوزه احکام الهی و قوانین آسمانی مانند امر امامت، حج، خمس، امر به معروف و ... که جای مشورت و نظر دادن از سوی مردم نیست هرگز رایزنی نمی‌کنند.

بنابراین، در مواردی که حکم صریح آن از سوی

۱- شوری، ۳۸. ۲- شوری، ۳۸. ۳- تحف العقول، ص ۲۶.
 ۴- نهج الفصاحه، حدیث ۲۵۰۶. ۵- همان، حدیث ۳۰۹۵.
 ۶- بقره، ۲۳۳. ۷- شوری، ۳۸.

خداوند و رسول گرامی اسلام و ائمه معصومین بیان شده است مشورت روا نیست. قرآن کریم در آیه، ذیل حوزه مشورت را به خوبی روشن می‌سازد و می‌فرماید آنجا که حکم خدا و رسول خدا ﷺ در زمینه‌ای موجود است حق دخالت و نظر دادن برای مردمان نیست؛ «و ما كان لمؤمن ولا مؤمنة اذا قضى الله ورسوله امراً أن يكون لهم الخيرة من امرهم وَمَنْ يعص الله ورسوله فقد ضلّ ضلالاً مبيناً»^(۱)، هیچ مرد و زن مؤمن را نسزد که وقتی خدا و رسول او حکمی کنند خود را صاحب اختیار بدانند و نظر دهند و هرکسی خدا و رسول او را نافرمانی کند در گمراهی آشکار هست.

این آیه شریفه باید به دقت مورد توجه قرار گیرد، به ویژه در کلمه مِنْ امرهم، زیرا با اینکه امر، امر مردمان است و کار آنها و شأن، شأن آنهاست ولی آنگاه که خداوند و رسول او در آن زمینه نظر دادند، عبودیت اقتضا می‌کند که تسلیم امر خداوند باشند و از خود نظر ندهند و با دیگران نیز به رایزنی نپردازند که رأی هیچ کس در آن حوزه ارزش ندارد^(۲).

براین اساس، پیامبر گرامی اسلام ﷺ هرگز در مورد قوانین و احکام الهی از هیچ کس نظر نخواست و در این زمینه با هیچ کس مشورت نکرد بلکه یاران و اصحاب آگاه خود را به گونه‌ای تربیت کرده بود که هرگاه مطلبی را بیان می‌فرمود نخست آنان سؤال می‌کردند که آیا این حکم الهی و قانون خداوند است که قابل اظهار نظر نباشد و یا چنین نیست و به نحوه اجرای قانون مربوط است؟ در صورتی که پیامبر اسلام ﷺ می‌فرمود قانون الهی است، هرگز نظر نمی‌دادند و سخن نمی‌گفتند و اگر می‌فرمود مربوط به نحوه اجرای قانون است نظر خود را بیان می‌داشتند؛ چنان که در جنگ بدر لشکر اسلام چون می‌خواستند در نقطه‌ای اردو بزنند، «حباب بن منذر» که از رزم آوران مجرب بود گفت: ای رسول خدا، محل استقرار لشکر از جانب خداوند تعیین شده است و یا فرمان خاصی در آن نیست؟ پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ فرمود: در این خصوص دستوری نیست. «حباب بن منذر» گفت به نظر من این جا جای مناسب نیست، آیا بهتر نیست که در نزدیکی آب استقرار یابیم؟ پیامبر اسلام ﷺ نظر او را پذیرفت^(۳).

امیرالمؤمنین علی عليه السلام نیز هرگز در موردی که حکم الهی مشخص و معین بود از هیچ کس نظر نخواست و در آن مورد با کسی مشورت نکرد و آنگاه که مورد اعتراض طلحه و زبیر قرار گرفت که چرا با ما مشورت نمی‌کنی؟ پاسخ داد: «فلما افضت الى نظرت الى كتاب الله و ما وضع لنا و امرنا بالحكم به فاتبعته و ما اسن النبي صلى الله عليه و آله ما اقتديته فلم احتج

في ذلك الى رأيكما و لا رأى غيركما و لا وقع حكم جهلته فاستشيركما و اخواني من المسلمين»^(۴)، چون خلافت به من رسید، از کتاب خداوند و قوانینی که برای ما وضع کرده و ما را فرمان داده که براساس آن حکم برانیم پیروی کردم و نیز آنچه را از پیامبر به عنوان سنت برجای مانده اطاعت کردم. پس در این زمینه به رأی شما و رأی دیگران و مشورت با شما و مشورت با دیگران نیاز نبود و در این میان حکمی پیش نیامد که به آن جاهل باشم تا با شما و دیگر برادران مسلمانم به مشورت پردازم.

و همچنین خطاب به ابن عباس چنین می‌فرماید: «عليك أن تشير علي فاذا خالفتك فاطعني»^(۵)، ای ابن عباس، وظیفه تو این است که نظر خود را در مواردی بگویی و هرگاه رأی و نظر تو را نپذیرفتم، وظیفه تو این است که مرا اطاعت کنی.

۲ - مورد دوم که مشاوره در آن مجاز بلکه میسر نیست، حوزه‌ای است که انسان به ژرفایش راه نمی‌یابد و بصر و بصیرت و عقل رشد یافته و اندیشه وثیق و عمیق به درون آن نفوذ پیدا نمی‌کند. امام امیرالمؤمنین علی عليه السلام می‌فرماید: «فلا تستعملوا الرأي فيما لا يدرك قعره البصر ولا يتغلغل اليه الفكر»^(۶)، در مسایلی که بصر و بصیرت به ژرفایش راه نمی‌یابد و اندیشه‌ها در آن نفوذ پیدا نمی‌کند، رأی و مشاوره کارساز نخواهد بود پس به رایزنی در آن حوزه نپردازید.

۴ - معنا و مفهوم هدف هدف در لغت به معنای نشانه تیر و شیء برافراشته است و در اصطلاح به دو معنا به کار رفته است:

۱ - سرانجام و نتیجه کار که در فلسفه از آن تعبیر می‌شود به «ما ينتهي اليه الحركة».

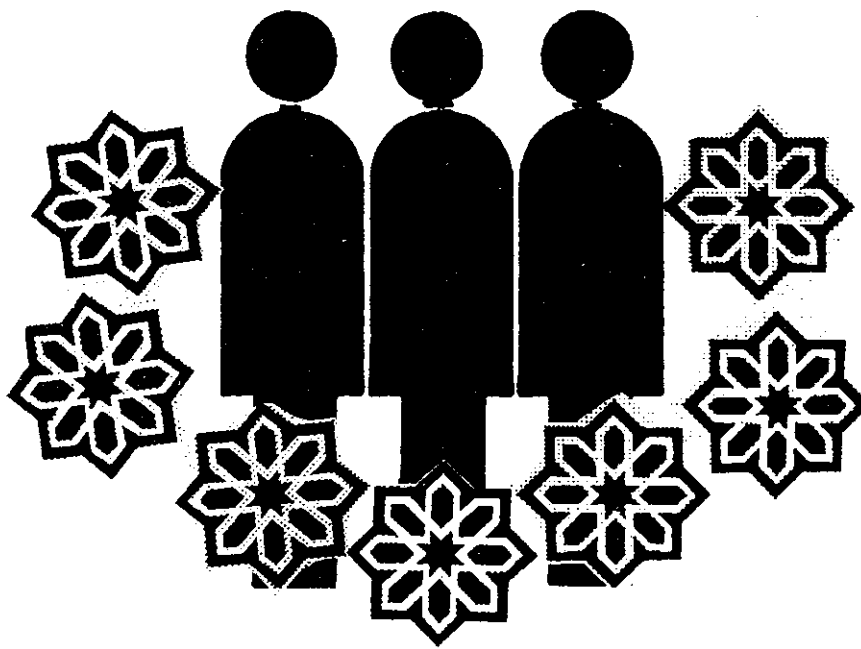
۲ - انگیزه کار که اصطلاحاً «ملاجله الحركة» است. مقصود از هدف مشاوره، انگیزه و غایتی است که اشخاص به خاطر آن به مشاوره اقدام می‌کنند. نکته درخور دقت این است که هر چند هدف کلی از مشاوره عبارت است از کمک به فرد تا زمینه‌های رشد، ترقی و موفقیت خود را بهتر بشناسد و مشکلاتی را که در این راستا با آنها مواجه است بهتر بداند و از میان بردارد ولی با توجه به تنوع و گوناگونی

۱ - المیزان، ج ۱۶، ص ۳۴۱ و نورالثقلین، ج ۴۶، ص ۲۸۰.

۲ - احزاب، ۳۶. ۳ - المنار، ج ۴، ص ۲۰۰.

۴ - نهج البلاغه، ص ۳۵۵، ۳۵۶.

۵ - رسائل السبع، ج ۸، ص ۴۲۸. ۶ - نهج البلاغه، ص ۱۲۹.



استشار منهم لم یعدم رشداً و من ترکها لم یعدم غیاً» (۴)، آگاه باشید که خداوند و رسول او از مشورت با مردم بی‌نیازند ولی خداوند مشورت را برای امت من رحمت قرار داده است، پس هرکس از امت من در کارها به تبادل نظر و رایزنی با دیگران پرداخت به رشد و موفقیت خواهد رسید و هر شخصی که از مشورت کردن سربر تافت گمراهی و تاریکی را از دست نخواهد داد.

براین اساس، باید اهداف معصومین در مشاوره‌هایشان درست تبیین شود تا معلوم گردد که آنان برای سعادت و آسایش و کمال انسان از بیان هیچ امری دریغ نکردند.

طبرسی در تفسیر شریف مجمع البیان^(۵) در ذیل آیه وشاورهم فی الامر، اهداف مشاوره معصومین را در امور ذیل خلاصه می‌کند:

- ۱ - احترام به آراء و نظرات مردم و شخصیت دادن به امت؛
- ۲ - رشد و بالندگی و پرورش عقل و اندیشه؛
- ۳ - شناسایی افراد لایق و صاحب نظر؛
- ۴ - دخالت دادن مردم در مسئولیت‌ها.

با این همه، به نظر می‌رسد اهداف معصومین در مشاوره‌هایشان با توجه به روایات مختلفی که در این زمینه وارد شده است و با تفاسیر گوناگونی که از مفسران بزرگ قرآن از آیه شریفه وشاورهم فی الامر وارد شده است عبارت است از:

۱- تکمیل و تکامل

اسلام به منظور تکامل و حیات طیب انسان، تمام شعون زندگی وی را زیر نظر دارد و برای تکمیل و تکامل او در همه زمینه‌ها، برنامه‌های گوناگونی تدارک دیده است. یکی از برنامه‌های اسلام این است که انسان درست بیندیشد، صحیح نظر دهد، واقع بینانه تصمیم بگیرد و از سطحی‌نگری، ظاهرگرایی و زندگی کودکانه برکنار باشد.

در این راستا، خدای علیم و حکیم هدایت‌های وحیانی و آسمانی را برای تکمیل و تکامل انسان قرار داده است و در

زمینه‌های مشاوره، اهداف آن هم مختلف و گوناگون است. پیداست که اهداف مشاوره معصومین علیهم‌السلام با اهداف مشاوره مردم با یکدیگر متفاوت است و در مشاوره والدین با فرزندان، اهداف ویژه‌ای است که با اهداف مشاوره دانش‌آموزان با معلمان و مربیان متفاوت است و ... در ذیل به بررسی برخی از اهداف در برخی از زمینه‌ها می‌پردازیم:

الف - اهداف معصومین علیهم‌السلام در مشاوره با مردم

پیشوایان معصوم در مواردی با مردم به مشورت نشستند. از آن جمله پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در جنگ بدر، جنگ خندق، غزوة خبیر، فتح مکه، جنگ تبوک^(۱) و ... و نیز امامان معصوم در مواردی با اصحاب و یاران مشورت نمودند^(۲).

حال سؤال این است که هدف از این مشاوره چه بوده است؟ به ویژه این که پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که عقل کل و پیامبر ملک و ملکوت است، از جانب خداوند فرمان «وشاورهم فی الامر»^(۳) را دریافت کرده است و مأموریت یافته است که شخصاً آغازگر مشورت با مردم باشد.

همان گونه که بیان شد، هدف مشاوره به طور کلی حل معضلات و مشکلات و راه‌یابی به نظرات صائب است ولی این هدف در مورد مشاوره معصومین صادق نیست؛ زیرا آنان منشأ علم، نور و هدایتند و علم آنان لدنی است و نیازی به مشورت ندارند تا از آراء مردم استفاده کنند و برای حل مشکلات خود راه حل مناسبی بیابند بلکه معصومین در مشاوره‌های خویش با مردم اهدافی را دنبال می‌کردند که برای امت سراسر خیر و رحمت است و در راستای تکمیل و تکامل آنهاست. در روایت ذیل به این حقیقت تصریح شده است.

پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «امان الله و رسوله لغنیان عنها و لکن جعلها الله رحمة لامتی فسن

۱- ر.ک. به: تاریخ طبری، ج ۳ و سیره ابن هشام، ج ۲ و فروغ‌ابدیت، ج ۲.

۲- ر.ک. به: بخارالانوار، ج ۷۵ و وسائل الشیعه، ج ۸ و مجمع البیان، ج ۱، در ذیل آیه وشاورهم فی الامر.

۳- آل عمران، ۱۵۹. ۴- تفسیر درالمشور، ج ۲، ص ۹۰.

۵- مجمع البیان، ج ۱، ص ۸۶۹.

حوزه کارهای عادی بشر و تصمیم‌گیری‌های زندگی، هر چند عقل و توانایی‌های فردی را وسیله بالندگی و رشد وی قرار داده است، ولی با توجه به این حقیقت که هر فردی به هر سطحی از رشد عقلی و فکری رسیده باشد نسبت به مسایل مختلف زندگی تنها از یک بُعد می‌نگرد و ابعاد دیگر بر او مخفی می‌ماند و از حقیقت دور می‌شود، تبادل نظر و مشاوره و رایزنی و استفاده از اندیشه و عقل دیگران را وسیله رسیدن به رأی صائب و تصمیم درست قرار داده است.

براین اساس، معلم بزرگ هستی حضرت محمد ﷺ فرمان می‌یابد که در راستای تکمیل و تکامل انسان در کنار عوامل دیگر، مشاوره و تبادل نظر را به عنوان عامل رشد و هدایت در جامعه اهمیت دهد و خود آغازگر این امر مهم باشد و با استبداد رأی و تک روی عملاً مبارزه نماید.

از همین جا روشن می‌شود که چگونه در روایات بسیاری سخن از نقش مشاوره در رشد و تکمیل و تکامل انسان رفته است و به این حقیقت تصریح شده است که مشاوره عامل هدایت، رشد، برکت و خیر و عامل راه‌یابی به حقیقت است. در ذیل به نمونه‌هایی از این روایات اشاره می‌کنیم:

امام امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «والاستشارة عين الهداية وقد خاطر من استغنى»^(۱)، مشورت خواهی عین هدایت است و هرکس خود را از مشاوره بی‌نیاز دانست خسران دیده است.

و در روایت دیگری می‌فرماید: «ما من رجل يشاور الا هدى الى الرشده»^(۲) کسی نیست که با دیگران مشورت کند مگر اینکه به سوی رشد و تکامل هدایت گردد.

و نیز در روایت دیگری می‌فرماید: «لا مظاهرة اوثق من المشاورة»^(۳)، پشتیبانی مطمئن‌تر از مشاوره وجود ندارد. پیداست این پشتیبانی در حوزه تکمیل، تکامل، رشد و هدایت انسان است و در حقیقت مشاوره عین هدایت است.

مولوی نیز می‌گوید:

مشورت کن با گروه صالحان

بسر پیمبر امر شاورهم بدان

امرهم شوری بسرای این بود

کز تشاور سهو کز کمتر شود

کاین خردها چون مصابیح انور است

بیست مصباح از یکی روشن‌تر است

و نیز می‌گوید:

مشورت ادراک و هوشیاری دهد

عقل‌ها مر عقل را یاری دهد

گفت پیغمبر بکن ای رایزن
مشورت که المشار مؤتمن
مشورت در کارها واجب شود
تا پشیمانی در آخر کم شود
عقل قوت گیرد از عقل دگر
پیشه‌گر کامل شود از پیشه‌گر
و در اشعاری دیگر چنین می‌سراید:

یار را با یار چون بنشسته شد

صد هزاران لوح سردانسته شد

لوح محفوظت پیشانی یار

راز کونینش نماید آشکار

۲- تکریم

از دیدگاه اسلام انسان دارای کرامت است: «ولقد کرمتنا بنی آدم»^(۴)، بلکه کرامت و عزت او از کعبه نیز افزون‌تر است: «المؤمن اعز من الکعبة»^(۵)، و این از آن جهت است که وی موجودی ملکوتی^(۶)، خلیفه خدا^(۷) و مسجود فرشتگان بوده^(۸) و موجودی است شگرف، دارای توانایی‌های گوناگون و ابعاد وجودی گسترده و از این رو، هر فردی موظف است کرامت خود را حفظ کند و حریم کرامت دیگران را نیز نگهدارد و به آنان اعتماد کند و آراء، اندیشه‌ها و اقوال آنان را به دیده احترام بنگرد و با آنان به مشورت و تبادل نظر و رایزنی بپردازد.

براین اساس، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم شخصاً فرمان می‌یابد که به مردم اعتماد کند و با آنان به مشورت بنشیند و به طور عینی شخصیت ممتاز مؤمنان را به خودشان گوشزد نماید که ای امت اسلامی، شما کسانی هستید که شایستگی دارید مورد مشورت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قرار بگیرید و به آراء و اندیشه و اقوالتان به دیده احترام نگریسته شود. به لحاظ همین تکریم است که اسلام شخصی را که مورد مشورت قرار می‌گیرد امین می‌داند و او باید به این تکریم پاسخ درست بدهد و با درایت، خیرخواهی، دلسوزی، آزادگی و صداقت و برادری آنچه به نظرش می‌رسد بیان نماید و مستشار را آنگونه که شایسته و بایسته است تکریم نماید. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «المستشار مؤتمن

۱- نهج البلاغه، ص ۱۱۸۱، کلمات فصاح. ۲- همان.

۳- همان. ۴- اسراء، ۷۰.

۵- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۰۵. ۶- اسراء، ۸۵.

۷- بقره، ۳۰. ۸- ص، ۸۲.

فَانِ شَاءَ اِشَارَ وَاِنْ شَاءَ سَكَتَ فَاِنْ اِشَارَ فَلْيُشِرْ بِمَا لَوْ نَزَلَ بِهِ فَعَلَهُ»^(۱)، کسی که مورد مشورت قرار می‌گیرد امین است؛ اگر خواست نظر می‌دهد و اگر نخواست، خاموش می‌ماند و همان بگوید که اگر خود او می‌بود عمل می‌کرد و تصمیم می‌گرفت. و بر این اساس در روایات توصیه شده است که با پارسایان^(۲)، آزاد مردان^(۳)، خیرخواهان^(۴)، دوران‌دیشان^(۵)، عالمان^(۶)، خداترسان^(۷)، مشورت نماید و از مشورت کردن با بخیلان^(۸)، ترسوها^(۹)، حریرسان^(۱۰)، جاهلان^(۱۱)، احمقان^(۱۲)، دروغگویان^(۱۳)، منافقان^(۱۴) برحذر باشید، زیرا گروه اول از دیدگاه اسلام دارای کرامت و تکریم هستند ولی گروه دوم نباید مورد مشورت قرار گیرند؛ اینان به جای اینکه خیرخواهانه و عالمانه به مشورت بنشینند و مراجع را یاری دهند او را از پای درخواهند آورد.

۳- تشریح و تقنین

مدنیت اسلامی بر اساس ایمان به خدا، عدالت، کرامت انسان، تقوا و آزادی پی‌ریزی شده است و در این راستا، مسأله مشورت و رایزنی و تبادل نظر افراد با یکدیگر و تبادل نظر امت و رهبر و تبادل نظر جوامع و ملل با یکدیگر نقش تعیین کننده دارد. از این جهت خداوند منان مشاوره را به عنوان یک اصل اسلامی و یک هدیه آسمانی تقنین و تشریح نموده و به پیامبر اسلام ﷺ فرمان داده که به عنوان مجری قوانین اسلام با مؤمنان به مشورت بنشینند^(۱۵)، و به طور عینی این قانون حیات بخش و پیروزی آفرین را پیاده کند و نشان دهد که نظام اجتماعی اسلام هرگز با استبداد رأی سازش ندارد و به حقیقت این رحمت بزرگ الهی است که نصیب ملت اسلام شده است. در روایت منقول از پیامبر ختمی مرتبت ﷺ این چنین نقل شده است که: «امان الله و رسوله لثغنیان عنها و لکن جعلها الله رحمة لامتی»، بدانید که خدا و رسولش از مشورت کردن با مردم بی‌نیازند ولی خداوند به منظور رحمت آوردن بر امت، پیامبرش را فرمان داده که با مردم به مشورت بنشینند.

۴- مسدود ساختن باب ملامت و ندامت

اگر پیشوایان و رهبران، تصمیم‌گیری‌های اجتماعی را براساس مشورت و تبادل نظر انجام دهند، بر همگان حجت تمام می‌شود؛ زیرا برای آنان که سخن برای گفتن و اندیشه‌ای برای ارائه دارند فرصتی است تا تشریک مساعی کنند و اندیشه و نظر خود را بیان کنند و چون تصمیم‌ها براساس همان اندیشه‌ها و آراء ارائه شده اتخاذ می‌گردد، دیگر هیچ کس به خود اجازه نمی‌دهد در صورتی که آن تصمیم‌ها به شکست

منتهی گردد و یا مقرون به توفیق نباشد باب ملامت را بگشاید و عیب‌جویی نماید و در صورت پیروزی و موفقیت نیز هیچ فردی به تنهایی خود را قهرمان پیروزی نمی‌شناسد و بدین طریق باب ملامت، ندامت، عیب‌جویی، فخرفروشی و ... مسدود می‌گردد.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ و امامان معصوم در شرایطی زندگی می‌کردند که برخی از مردم به دلیل قریب العهد بودن به اسلام و نداشتن بنیان‌های وثیق و عمیق ایمانی، منتظر بودند که تصمیم‌های اجتماعی و برنامه‌های مربوطه به شکست برسد تا باب سرزنش، اشکال تراشی، بهانه‌جویی مطرح کردن خود را بگشایند و نظام اجتماعی اسلام را ناتوان جلوه دهند.

براین اساس، پیامبر ﷺ به منظور تشریک مساعی مردم و مسدود ساختن باب ملامت و عیب‌جویی، در مورد کیفیت و نحوهٔ اجراء قوانین الهی به مشورت می‌نشست تا آنان اگر سخنی، اندیشه و رأیی دارند ارائه دهند و دیگر عذر و بهانه‌ای نباشد؛ آنگاه که جنگی در پیش بود و سخن از تحمل مشکلات، سختی‌ها، رنج‌ها، شهادت‌ها و ایثارگری‌ها مطرح بود با یاران به مشورت می‌پرداخت و دربارهٔ محل اردوگاه، محل رزم، تعداد سربازان، چگونگی ادارهٔ جنگ و ... و نیز در مورد اسیران و چگونگی آزادی آنها و همچنین دربارهٔ غنائم و ... به مشورت می‌نشست.

پیداست مسائل فوق و امثال اینها به نحوهٔ اجراء قانون برمی‌گردد و پیامبر اسلام ﷺ نه در مورد قانون خدا بلکه در نحوهٔ اجراء آن به مشورت می‌پرداخت و چون بر اساس آراء اندیشه‌ها و نظریات آنان تصمیم‌گیری می‌شد، پیامبر بزرگ اسلام ﷺ از حمایت و تأیید آنها به طور شایسته استفاده

۱- نهج الفصاحه، حدیث ۳۰۹۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۲۶. ۳- همان.

۴- همان. ۵- غرر و درآمدی، ج ۳، ص ۴۲۸.

۶- همان. ۷- وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۴۲۶.

۸- نهج البلاغه، ص ۹۹۸.

۹- غرر و درآمدی، ج ۳، ص ۳۶۷. ۱۰- نهج البلاغه، ص ۹۹۸.

۱۱- کافی، ج ۲۲، ص ۶۳۹.

۱۲- غرر و درآمدی، ج ۳، ص ۹۹.

۱۳- الحیاه، ج ۱، ص ۱۶۸.

۱۴- غرر و درآمدی، ج ۳، ص ۲۸. ۱۵- آل عمران، ۱۵۹.

می‌کرد و از انتقادات آنان در صورت عدم موفقیت جلوگیری می‌نمود، زیرا خود آنان به این تصمیم رضایت داده بودند و در صورت موفقیت و پیروزی طرح نیز، همچون همه افراد خود را به حق در پیروزی سهیم می‌دانستند، احساس غرور و شادمانی می‌کردند و این بسیار زیبا و غرور آفرین بود.

بنابراین، نتیجه مشاوره این است که مردم درگیر مسؤولیت می‌شوند و از آراءشان در امور خودشان بهره‌گیری می‌شود و در نهایت باب ملامت و ندامت و عیب‌جویی مسدود می‌گردد.

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «المشاورة حصن من الندامة و آمن من الملامة» مشورت دژ مصونیت از ندامت و پشیمانی است و موجب ایمنی از سرزنش است.

۵- ارزیابی و معرفی شایستگان

بدون تردید افراد جامعه از جهت اندیشه، مدیریت، برنامه‌ریزی، اراده، ایمان و اخلاص و به طور کلی در توانایی‌های جسمی و روحی یکسان نیستند ولی می‌توان از طریق مشاوره، رایزنی و تبادل نظر در زمینه‌های خاص و شرایط ویژه، چهره شایستگان را شناخت و دیگران را با آنان آشنا نمود.

پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ با یاران و اصحاب به مشاوره می‌پرداخت تا افراد صاحب نظر، طراح و مدیر و مدبر شناخته شوند و دیگران نیز با توانایی‌های آنان آشنا گردند. پیداست با این کار چهره مؤمنان واقعی، مخلصان و ایثارگران و نیز چهره قدرت طلبان، نام‌جویان، فرصت طلبان و دنیاپرستان مشخص می‌شد زیرا سخن و رأی و نظر افراد ترجمان روحیات و صفات باطنی آنان است.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «عند بديهة المتال تختر عقول الرجال»^(۱)، از سخنان ناپخته و بالبداهه افراد عقل‌ها و اندیشه‌ها ارزیابی می‌گردد.

و نیز در روایت دیگری می‌فرماید: «ظن الانسان میزان عقله»^(۲)، ظن و رأی انسان وسیله ارزیابی عقل اوست.

و در روایت دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الكلام إظهار ما في قلب المرء من الصفاء والكدر والعلم والجهل»^(۳)، گفتار وسیله اظهار مکنونات قلبی متکلم است و صفا و کدورت و علم و جهل او را ظاهر می‌سازد.

۶- الگوپذیری

انسان در مسیر زندگی نیاز به اسوه و الگوی تضمین شده دارد و بدون آن، ضمانتی برای سعادت‌مند بودن وی نیست و

براین اساس، خدای حکیم و رؤف، پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ را به عنوان اسوه و الگوی زندگی فردی و اجتماعی انسان معرفی می‌کند و می‌فرماید: «ولقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة».

یکی از سنت‌های پسندیده و زیبای رسول الله ﷺ این بود که با یاران و اصحاب به مشاوره می‌نشست و با آنان به رایزنی می‌پرداخت. پیام این رفتار این است که رهروان به این سنت زیبا و مقدس تاسی کنند و در زندگی فردی و اجتماعی خود به مشاوره بنشینند و از استبداد رأی پرهیز یابند.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الأناس بأمرائهم أشبه منهم بأبائهم»^(۴)، مردم در روش زندگی به حاکمان و رهبران خود بیشتر شباهت دارند تا پدران خویش؛ بر این اساس وقتی مردم می‌نگرند که پیامبر ختمی مرتبت و معلم بشریت آن کسی که هیچ نیازی به مشاوره با مردم ندارد و به سخنانی رسیده که جبرئیل امین نیز از آن مانده است، با یاران و اصحاب به مشاوره می‌پردازد، بدون تردید به او تاسی می‌کنند و در عینت دادن به این سنت زیبا دریغ نمی‌ورزند.

ب: اهداف مشاوره شوهر با همسر

زن و شوهر باید امور خانواده را با تبادل نظر، مشورت و موافقت پیش برند و سعی کنند با گفتن، شنودن و همفکری با یکدیگر کلیه امور مربوط به زندگی را از روی دلسوزی به انجام برسانند؛ زیرا زن و شوهر و فرزندان اعضاء یک خانواده‌اند و سرنوشت مشترک دارند، باید در امور زندگی دخالت داده شوند و کارها با مشاوره و تبادل نظر و توافق انجام گیرد. در این صورت، همکاری صمیمانه، نشاط و اعتماد در خانواده حاکم خواهد شد.

در برابر، اگر به اعضاء خانواده توجه نشود و با آنان در امور زندگی مشورت نگردد، آنان افرادی لجوج، ضعیف‌النفس و وابسته بار می‌آیند و در پس آن، آنچه در خانواده حاکم خواهد شد نزاع، بدخلقی، کج‌رفتاری و لجاجت خواهد بود. پیداست اگر استبداد و خودکامگی در فضای خانه و خانواده راه پیدا کرد و شوهر خود را تنها تصمیم‌گیرنده در خانواده دانست، ممکن است زن به منظور قدرت‌نمایی شوهر

۱- غرر الحکم، ص ۴۹۰.

۲- همان، ص ۴۷۴.

۳- مصباح الشریعة، ص ۲۵۹.

۴- بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۱۲۹.

را کنار زده خود تصمیم بگیرد و در نهایت بنیان خانواده ویران شود و سرانجام چنین زندگی جز غم، اندوه و نومیدی و پوچی چیزی نخواهد بود.

مکعب حیات بخش اسلام و آیین زنده و پویا و تکامل آفرین آن، مسأله مشاوره در خانواده را در قانون ذیل بیان کرده که شیردادن کودک با مادر است و این حق به اختیار اوست ولی اگر پدر و مادر بخواهند کودک خود را از شیر بازگیرند باید با مشاوره و تبادل نظر باشد. «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا»^(۱)، اگر پدر و مادر با رضایت و مشاوره بخواهند کودکشان را از شیر بازگیرند بر آنان ایرادی نیست.

وقتی مسأله فصال و بازگرفتن کودک از شیر باید با مشاوره زن و شوهر باشد، آیا نایستی امور مهم زندگی مانند معاشرت‌ها، پیوندها، رفت و آمدها، تربیت فرزندان و امور مربوط به تعلیم و تربیت آنان، مسافرت‌ها، تهیه غذا، تهیه لباس و ... با مشاوره و تبادل نظر انجام گیرد؟! پس از بیان این مقدمه به برخی از اهداف مشاوره شوهر با همسر اشاره می‌کنیم. اهداف مشاوره شوهر با همسر را می‌توان در امور ذیل خلاصه نمود:

۱- دستیابی به تصمیم درست

اگر امور خانواده با تبادل نظر و مشاوره تصمیم‌گیری شود و از آراء و نظرات اعضای استفاده شود، راه‌حل‌های واقع بینانه‌تر و مؤثرتر و موفقیت‌آمیزتر اتخاذ می‌گردد و رشد و بالندگی نصیب اعضای خانواده می‌شود و فرزندان پرورش یافته در چنین فضایی، از سلامت جسم و روح بهره‌مند خواهند بود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «المشورة تجلب لك صواب غيرك»^(۲) مشاوره رأی صائب دیگری را برای تو ارمغان می‌آورد.

۲- ایجاد جو تفاهم و همدلی

اگر اعضای خانواده به یکدیگر اعتماد کنند و به آراء و اندیشه‌های یکدیگر به دیده احترام بنگرند و حریم یکدیگر را نگه دارند و با مشورت و تبادل نظر زندگی کنند، بدون تردید فضای خانه و خانواده را نسیم دل‌انگیز تفاهم، همدلی، اعتماد، رحمت و رأفت فرا خواهد گرفت.

پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «مشاورة العاقل الناصح يمن و رشد و توفيق من الله عزوجل»^(۳) تبادل نظر و مشاوره با خردمند خیرخواه موجب برکت و رحمت و رشد و توفیق خداوندی است.

۳- نشاط

هدف اساسی از تشکیل خانواده سکونت، آرامش و تکمیل و تکامل است و این مهم حاصل نمی‌شود مگر اینکه فضای خانواده لبریز از نشاط، امیدواری و دل‌گرمی باشد و پیداست اگر اعضای خانواده ببینند که به آنها بها داده می‌شود و فکر و رأیشان ارزشمند و قابل احترام است و به معنای واقعی مشاوره انجام می‌گیرد - نه آن که به نام مشورت بخواهند نظر خود تحمیل نمایند - آرام می‌گیرند و امیدواری پیدا می‌کنند و نشاط سراسر زندگی را فرا خواهد گرفت.

در روایت نبوی که در بخش پیشین نقل شد، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مشاوره را موجب یمن دانست، یمن دارای معانی متعددی است که سکونت و آرامش از آن جمله است.

۴- زندگی پایدار

بقا و دوام زندگی خانوادگی وام‌دار شرایطی است که قبل از ازدواج و بعد از آن باید رعایت گردد. پس از تشکیل خانواده، اگر همکاری صمیمی بین اعضای خانواده باشد و کارها با تبادل نظر و مشاوره صورت پذیرد، بخصوص اگر در مشورت صبر، انعطاف، گذشت نیز حاکم باشد و پدر خانواده هر چند نظر همسر و فرزندان را برخلاف نظر خود ببیند، با این همه چون آن نظر را با رضای خدا و مصلحت کلی خانواده در تضاد نمی‌بیند آن را می‌پذیرد، آنها نیز یاد می‌گیرند و اهل گذشت خواهند شد و بدون تردید اگر خانواده اهل گذشت باشند، زندگی خانوادگی دوام و بقاء جدی پیدا خواهد کرد.

۵- شناخت اعضای خانواده

یکی از کاستی‌هایی که غالباً بر خانواده‌ها حاکم است این است که اعضای خانواده شناختی از یکدیگر ندارند و از نگرش و اندیشه و خصلت‌ها، صفات درونی و منش و روش یکدیگر خبر ندارند و از میزان تعهد، وظیفه‌شناسی، وفاداری، اعتماد به نفس و قدرت اراده یکدیگر مطلع نیستند و این نقصانی است که پیامدهای ناگوار و مشکلات فراوانی را در بر دارد. اعضای خانواده از طریق مشاوره و تبادل نظر می‌توانند همدیگر را بشناسند و از ویژگی‌های روانی، فکری، عاطفی و ... یکدیگر مطلع شوند. امام جواد علیه السلام می‌فرماید: «الانسان

۱- بقره، ۲۴۳. ۲- غرر و درآمدی، ج ۱.

۳- وسائل‌التبیه، ج ۸، ص ۴۲۶.

مخبوء تحت لسانه»^(۱)، آدمی در زیر زبان خود پنهان است، آنگاه که سخن بگوید مکنونات و اسرار نهفته‌اش آشکار می‌گردد و نیز امام علی علیه السلام می‌فرماید: «ما اضر احداً شیئاً الا ظهر فی فلتات لسانه و صفحات وجهه»^(۲)، هیچ کس نهانی را در مکنون سرّ خود پنهان نمی‌دارد مگر آن که از سخنان ناپخته و رنگ رخساره‌اش آشکار می‌شود.

نکته درخور دقت

در پایان این بخش یادآوری می‌کنیم که گستره مشاوره به میزان درک، فهم، عقل و تجربه است و هرگز جنسیت نمی‌پذیرد و نمی‌توان پذیرفت که نظر اسلام پیرامون مشورت با زنان این باشد که با جنس زن و به طور مطلق نمی‌شود مشورت کرد زیرا از سویی مشاور باید دارای علم، عقل و تجربه و صداقت و ... باشد و اگر این شرایط در هر شخصی باشد مورد مشاوره قرار می‌گیرد. براین اساس امام علی علیه السلام می‌فرماید: «ایاک و مشاوره النساء الا من جُرِبَتْ بکمال عقل»^(۳)، از مشورت با زنان بپرهیز مگر زنانی که کمال خرد آنان را به تجربه دریافته باشی.

و از سوی دیگر، از بُعد روانی، عاطفی و اجتماعی مسلم است که اگر شوهر مشورت با همسر را ترک گوید و تنها با تکیه به اندیشه خود تصمیم بگیرد، پیامدهای تلخی به بار می‌آید و لجاجت و ناسازگاری بر فضای خانواده حاکم می‌گردد. بنابراین، دینی که همگام فطرت انسانی است مگر ممکن است به امری رضایت دهد که بنیان خانواده را ویران می‌سازد؟

و دیگر این که اگر شوهر در امور مربوط به همسر و فرزندان به خصوص فرزند دختر، با همسرش مشورت نکند با چه کس مشورت نماید؟ و قابل توجه اینکه در روایات از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که: «شاو روا النساء فی انفسهن و بناتهن»^(۴)، در امور مربوط به همسران و دختران آنان با آنان به مشورت بنشینند.

سوی والدین شروع شود و با این کار الگوی مشاوره را عملاً به فرزندان یاد دهند.

زمانی که والدین با فرزندان خود به مشورت می‌نشینند، باید نشان دهند که تمایل دارند با دقت سخن فرزندان را گوش دهند و این به نوبه خود نشان می‌دهد که والدین فرزند خود را با ارزش می‌داند و به سخن و نظر او احترام می‌گذارند. بدیهی است وقتی فرزند این گونه رفتار را مشاهده می‌نماید، اعتماد به نفس پیدا می‌کند و دارای اراده قوی خواهد شد.

پس از ذکر این مقدمه کوتاه به برخی از اهداف مشاوره والدین با فرزندان اشاره می‌کنیم:

۱- حل مشکلات فرزندان

فرزندان در مراحل گوناگون کودکی، نوجوانی و جوانی دارای مشکلات فراوانی هستند که باید با تدبیر و آگاهی و تبادل نظر و مشاوره برطرف شوند. امور مربوط به تعلیم و تربیت، مسایل مربوط به معاشرت و روابط اجتماعی، امور مربوط به رشد جنسی، بلوغ، مسایل شرعی و ... اموری هستند که نیاز به آگاهی و شناخت دارند و باید با تدبیر و رایزنی صحیح به درستی حل شوند و در صورتی که والدین با فرزندان خود الفت و رفاقت نداشته باشند، فرزندان اسرار ناگفته خود را به دوستان خود و چه بسا دوستان ناباب خواهند گفت و از طریق نادرست مشکلات خود را حل خواهند کرد. وظیفه والدین این است که باب گفتگو را در خانواده مفتوح نگهدارند و پدر، مسائل ویژه مربوط به فرزند پسر خود را به طریق حساب شده بیان کند و مادر مسائل ویژه دختر خود را مدبرانه به او تفهیم نماید و از این طریق خانه و خانواده را محل آسایش و آرامش قرار دهد و این جاست که معنای سخن عمیق امیرالمؤمنین علی علیه السلام روشن می‌شود که می‌فرماید: «لامظاهرة اوثق من المشاورة»^(۵)، پشتیبانی بهتر از مشاوره نیست.

۲- پرورش همدلی و تفاهم و اعتماد به نفس

انسان دارای توانایی‌های شگرف و استعدادهای وسیع و گسترده خدادادی است و باید این توانایی‌ها و استعدادها

ج- اهداف مشاوره والدین یا فرزندان

خانواده مهم‌ترین عامل مؤثر در رشد و پرورش فرزندان است و از مهم‌ترین عوامل در تأمین سلامت و پرورش عقل و اندیشه و بهداشت روانی فرزندان، روابط صحیح و متعادل والدین با آنهاست و از شاخص‌ترین و نافذترین برنامه‌های تربیتی و از بهترین شیوه‌های ارتباط با فرزندان مشورت و مشاوره با آنان است. والدین باید با فرزندان سخن بگویند، سخن آنان را بشنوند و با آنان مشاوره کنند و باید امر مشاوره از

۱- بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۱۰۱.

۲- نهج البلاغه.

۳- بحارالانوار، ج ۳، و کنزالفوائد کراچکی، حدیث ۴۲۵۳.

۴- بحارالانوار.

۵- نهج البلاغه، ص ۱۱۳۹.

شکوفای شوند. خانه و خانواده اولین مهدی است که کودک در آن پرورش پیدا می‌کند و پایه شخصیت وی در این مهد ریخته می‌شود و چون الگوی رفتاری کودک والدین او هستند، اینان باید تلاش کنند با مشاوره، تبادل نظر و رایزنی، جو تفاهم، همدلی و اعتماد به نفس را در خانواده گسترش داده و از این طریق عقل و اندیشه و اراده فرزندان را پرورش دهند و در برابر سرزنش‌ها، پشیمانی‌ها دژی مستحکم از مشاوره و تبادل نظر و تفاهم ایجاد کنند. چه بسیار زیبا پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «المشاورة حصن من الندامة و امن من الملامة»^(۱) مشاوره دژ مستحکم در برابر پشیمانی است و در برابر سرزنش امان دهنده است.

در خاتمه به دلیل طولانی شدن مقاله اهداف دیگر را بررسی نمی‌کنیم و تنها با ذکر عناوین آنها این مقاله را پایان می‌دهیم:

د: اهداف مشاوره مردم با یکدیگر

- ۱ - دسترسی به رأی و اندیشه و تصمیم درست و واقع‌بینانه؛
- ۲ - ژرف اندیشی و افزایش آگاهی و تجربیات؛
- ۳ - دستیابی به راه صحیح در حل مشکلات فردی و اجتماعی؛
- ۴ - ایجاد جو تفاهم و همدلی؛

ه- اهداف مشاوره در زمینه تعلیم و تربیت دانش‌آموزان

- ۱ - حل مشکلات دانش‌آموزان؛
- ۲ - ارزیابی توانایی‌ها؛
- ۳ - زمینه‌سازی برای پیدایش اندیشه خلاق؛
- ۴ - ایجاد روحیه سازگاری اجتماعی.



فهرست منابع و مآخذ

- ۱ - قرآن کریم.
- ۲ - نهج البلاغه.
- ۳ - الحر العاملی، وسائل الشیعه، المكتبة الاسلامیه، تهران.
- ۴ - المجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، مؤسسه الورزاء، بیروت، لبنان.
- ۵ - الحرانی، ابن محمد حسن بن علی، تحف العقول، کتابخانه اسلامیه، تهران.
- ۶ - ری شهری، محمد، میزان الحکمة، انتشارات دفتر تبلیغات

اسلامی، قم.

۷ - الطباطبائی، محمدحسین، میزان، منشورات جامعه

المدرسین، قم.

۸ - مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، قم.

۹ - شفیع آبادی، عبدالله، راهنمایی و مشاوره کودک، سمت،

تهران.

۱۰ - شفیع آبادی، عبدالله، فنون و روش‌های مشاوره، آشنا،

تهران.

۱۱ - حسینی، سیدمهدی، مشاوره و راهنمایی در تعلیم و

تربیت اسلامی، امیرکبیر، تهران.

۱۲ - احمدی، سیداحمد، مقدمه‌ای بر مشاوره و روان‌درمانی،

دانشگاه اصفهان، اصفهان.

۱۳ - قاضی، قاسم، زمینه مشاوره و راهنمایی، انتشارات

دانشگاه تهران، تهران.

۱۴ - قاضی، قاسم، روش‌ها و تکنیک‌های مشاوره، جهاد

دانشگاهی، تهران.

۱۵ - نوایی‌نژاد، شکوه، آموزش خانواده، انجمن اولیاء و مربیان،

تهران.

۱۶ - یاشا شریفی، حسن، راهنمایی و مشاوره، رشد، تهران.

۱۷ - حسینی، سیدمهدی، مشاوره در آستانه ازدواج، آوای نور،

تهران.

۱۸ - عروسی حویزی، عبدالعلی بن جمعی، نورالتقلین، نصیح

هاشم رسولی محلاتی، اسماعیلیان، قم.

۱۹ - طبرسی، الفضل بن الحسن، مجمع البیان، کتابفروشی

اسلامیه، تهران.

۲۰ - زاغب، ابوالقاسم، المفردات فی غریب القرآن، المكتبة

المرتضویه، تهران.

۲۱ - مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه

ترجمه و نشر کتاب، تهران.

۲۲ - رشید رضا، محمد، المنار، دارالمعرفة، بیروت، لبنان.

۲۳ - طبری، محمد جریر، تاریخ الطبری، مؤسسه الاعلمی،

بیروت، لبنان.

۲۴ - حکیمی، محمدرضا، الحیاء، دائرة الطباعة و النشر، تهران.

۲۵ - کلینی، محمد، اصول کافی، المكتبة الاسلامیه، قم.

۲۶ - آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، مجموعه

کلمات قصار علی علیه السلام، ترجمه محمد علی انصاری، دارالکتاب، قم.

۱ - نهج الفصاحة، حدیث ۳۰۹۵.